

فائزه هاشمی در گفتگو با جوان فردا: شعور و احساسات مردم را جریحه دار کردند

چند روز پیش برخی سایت های خبری نظر آیت الله هاشمی در خصوص فرزندانش را منتشر نمودند. آیت الله در آن متن کوتاه ویژگی اصلی آنها را صراحت بیان دانسته بود و این همان نکته ای است که در گفتگو با فائزه هاشمی کاملاً به چشم می آید. خانم هاشمی در گفتگوی يك ساعت و نیمه با ما به ابعاد مختلف رویدادهای اخیر پرداخت و نظرات خویش در خصوص حوادث قبل و بعد از انتخابات را به صراحت بیان نمود. سلامت انتخابات، حوادث و فجایع پس از انتخابات، انقلاب مخملی و اعترافات، مباحثات مربوط به جمهوری اسلامی و رای مردم، عملکرد صدا و سیما، عمل به قانون، اتهامات و ماجرای دستگیری و آینده اصلاحات همگی موضوعاتی هستند که هاشمی در این گفتگو به آنها پرداخته است. این گفتگو را حتماً بخوانید.

امین قلعه ای

چند روز پیش برخی سایت های خبری نظر آیت الله هاشمی در خصوص فرزندانش را منتشر نمودند. آیت الله در آن متن کوتاه ویژگی اصلی آنها را صراحت بیان دانسته بود و این همان نکته ای است که در گفتگو با فائزه هاشمی کاملاً به چشم می آید. خانم هاشمی در گفتگوی یک ساعت و نیمه با ما به ابعاد مختلف رویدادهای اخیر پرداخت و نظرات خویش در خصوص حوادث قبل و بعد از انتخابات را به صراحت بیان نمود. سلامت انتخابات، حوادث و فجایع پس از انتخابات، انقلاب مخملی و اعترافات، مباحثات مربوط به جمهوری اسلامی و رای مردم، عملکرد صدا و سیما، عمل به قانون، اتهامات و ماجرای دستگیری و آینده اصلاحات همگی موضوعاتی هستند که هاشمی در این گفتگو به آنها پرداخته است. این گفتگو را حتماً بخوانید.

سلامت انتخابات/ واژگون کردن نتیجه انتخابات بدعت بود، نه اعتراضات

فائزه هاشمی معتقد است که سلامت انتخابات همچنان زیر سؤال است و رخدادهای پس از آن نباید باعث شود که این موضوع تحت الشعاع قرار گیرد. در پاسخ در پرسش در این خصوص می گوید: در رابطه با جریانات پس از انتخابات دو نکته مطرح است، اول سلامت انتخابات و دوم برخوردهای غیر قانونی با اعتراضات و هر دو موضوعات مهمی هستند که بررسی آنها مورد مطالبه است. وی در ادامه می افزاید: شواهدی وجود دارد که نشان دهنده زیر سؤال بودن روند برگزاری انتخابات است، این تردید آنقدر عمیق و جدی است که جمعیت چند میلیونی را بارها و بارها جهت بیان اعتراضات آن هم بصورت آرام و قانونی و براساس اصل 27 قانون اساسی به خیابان کشانده و به وجدان و احساسات عمومی آسیب زده است.

تخلفات و روند غیر قانونی در برگزاری انتخابات در مراحل مختلف تبلیغات قبل از انتخابات، روز انتخابات، و بعد از

انتخابات وجود داشته است، بعنوان مثال وضعیت ناظرین، کارت برای بسیاری از ناظرین معرفی شده صادر نمی شود، بسیاری کارت ها جابه جا صادر می شود و چون کارت ها را اول صبح روز انتخابات برخلاف قرار قبلی تحویل می دهند، لذا مستقر شدن ناظرها با این وضعیت جدید مشکلات عدیده ای ایجاد می کند، بسیاری ناظرین را در مرحله تجمیع آراء راه نمی دهند، از حضور ناظرین در جلسات هئیت های اجرایی پس از 18 خرداد علی رغم اعلام رسمی خودشان جلوگیری می کنند، در زمان شمارش آرا بسیاری از ناظرین از صندوق ها اخراج می شوند، صورت جلسات شمارش آرا در بسیاری از صندوق ها توسط برگزار کنندگان و ناظرین امضا نمی شود.

وضعیت تعرفه ها، در بسیاری از شعبه ها تعرفه ها از حدود ظهر به بعد شروع به تمام شدن می کند، البته زمان آن صندوق به صندوق متفاوت است و در اکثر این شعبات تعرفه رسانده نمی شود. شعبه های زیادی ساعت 9 و مابقی ساعت 10 علی رغم وجود صف طولانی مردم برای رأی دادن بسته می شود، این در حالی است که وزیر کشور اعلام کرد که دستور داده شده تا زمانی که مردم در هر شعبه ای در صف ها حضور دارند رأی گیری انجام شود. از آنجایی که 57 میلیون تعرفه چاپ شده بود، این سؤال مطرح است که پس مابقی تعرفه ها کجاست؟

قطع شدن سیستم پیامک ها از شب قبل از انتخابات، فیلتر کردن سایت ها، اخلاف در سیستم اطلاع رسانی ستادها و حمله به ستادها در روز انتخابات از جمله ستاد قیطریه آقای موسوی، این ها همگی نیز مواردی بود که مشکلات اساسی را برای ناظرین و ستادها ایجاد و برنامه های نظارتی آنها را مختل کرد.

تخلفات تمام نمی شود و پس از انتخابات نیز ادامه می یابد، در حالی که 3 روز برای اعتراض کاندیداها و به دنبال آن زمانی برای بررسی اعتراضات و تأیید نهایی شورای نگهبان در قانون پیش بینی شده است فردای انتخابات پیام های تبریک و تأیید انتخابات سرازیر می شود، که با توجه به جایگاه، و مقام بعضی از پیام دهندگان، عجیب است که هنوز انتخابات تأیید نشده و مراحل قانونی آن طی نشده هدف این پیام ها چه بوده است؟ و همچنین کنفرانس مطبوعاتی و جشن آقای احمدی نژاد به عنوان پیروز انتخابات در یکی دو روز اول بعد از انتخابات نیز در همین بخش قرار می گیرد.

عملکرد حمایتی رسانه ملی، روزنامه ها و خبرگزاری های دولتی و حمایت از آقای احمدی نژاد توسط بعضی مقام ها و ارگان ها که بایستی طبق قانون بی طرف باشند و اصولاً اجازه ورود به مسایل سیاسی و انتخابات را ندارند، بذل و بخشش ها از پول و جیب مردم، افزایش حقوق ها در آخرین ماه های قبل از انتخابات و کاهش آنها بعد از انتخابات و بسیاری موارد دیگر همگی از مواردی است که بایستی بررسی شود.

فقط یک نمونه از اعتراضات، یعنی نتیجه بررسی وجود 140 مرکز که آرای ریخته شده به صندوق ها از آرای که می توانست به صندوق ها ریخته شود، بیشتر بود این بود که 3 میلیون جابجایی آرا داشت حالا تصور کنید که اگر هر کدام از موارد اعتراضی فوق بررسی می شد، آن وقت مشخص می شد که در کل چه مقدار رأی با این روند های غیر قانونی جابجا شده است.

هاشمی در ادامه می افزاید: بهتر بود اجازه می دادند یک شورای بی طرف تشکیل می شد تا مستقلاً همه موارد را بررسی کند. اینطور که نمی شود که بگوییم در نتیجه انتخابات هیچ تغییری ایجاد نمی شود اما شورای نگهبان به

اعتراضات رسیدگی کند. بنابراین با این صحبت پاسخ شورای نگهبان هم از اول مشخص بود پس برای چه قانون گذار اساساً اجازه اعتراض را به کاندیداها داده است؟ دیگر اعتراض برای چیست وقتی قرار است تغییری صورت نگیرد؟ واژگون کردن نتیجه انتخابات در این دو روز بدعت است یا رسیدگی جدی و حقیقی و بی طرفانه به اعتراضات؟ وی در ادامه می گوید: این نوع برخورد یعنی اعتراض نکنید، تمام شد. یک انتخاباتی برگزار شد و شما به هر کس خواستید رأی دادید ولی نتیجه این بود که می بینید. و یا کمیته ای تشکیل می دهند که اکثریت آنها را طرفداران خودشان دارند. وقتی اراده ای برای رفع این همه ابهام و رسیدگی بی طرفانه به شکایات و گزارشات وجود ندارد این ابهام ایجاد می شود که پس حتماً ریگی به کفش دارند که حاضر نمی شوند به اعتراضات به شکل منطقی پاسخ بدهند.

حوادث و فجایع پس از انتخابات/ این فجایع فقط به کهریزک و کوی دانشگاه، ختم نمی شود

فائزه هاشمی در خصوص فجایع پس از انتخابات هم به صراحت موضع گیری می کند و از احقاق حق مظلومین و خسارت دیدگان در رویدادهای اخیر می گوید. او معتقد است که رسیدگی به این فجایع نیز باید در دستور کار قرار بگیرد و نباید به بهانه شاد شدن دشمنان از بیان فجایع، به سادگی از کنار این موضوع گذشت. او در این خصوص می گوید: این ها بیان نقض حقوق شهروندان و فجایع صورت گرفته را تعبیر به تحرکات دشمن شادکن می کنند، به نظر من انجام این اعمال است که به نظام ضربه زده و دشمن شاد کن است و نه اعتراض به آنها. این فجایع رخ داده و نمی شود گفت که کسی احقاق حق نکند و چیزی نگوید چون دشمن شاد می شود برعکس باید با متخلفین از بالا تا پایین برخورد شود تا از این راه پایداری نظام تضمین شود و جلوی شادی دشمن گرفته شود.

هاشمی در ادامه می افزاید: این فجایع فقط به کهریزک و کوی دانشگاه، ختم نمی شود، بررسی و پاسخگویی به آنچه که در خیابانها و در زندانها و اماکن دیگر بر مردم رفته است همگی بایستی در دستور کار باشد. در این جریانات نیز مثل موضوع انتخابات نیاز به کمیته ای بی طرف و مستقل است تا عادلانه و براساس واقعیت ها و به دور از جانب داری ها به بررسی مسایل و بعد هم برخورد با متخلف پردازد. این که عده ای خلاف کنند، آن هم به این گستردگی و با این عمق، و مورد اعتراض هم قرار نگیرند، ولی به معترضین که به دنبال حقوق خود هستند انگ همسویی با بیگانه، اغتشاشگر، دشمن شادکن، جاسوس، انقلاب مخملی و ... زده شود از کجای اسلام در آمده است من نمی دانم. شرایط بنحوی شده است که برای اثبات حقانیت خودشان، برای افراد بی گناه پرونده سازی می کنند و برعکس پرونده دارها را به مقام و پست می رسانند.

انقلاب مخملی و اعترافات / اتهام انقلاب مخملی فرافکنی است- چه کسی این اعترافات را باور می کند؟

از هاشمی در خصوص اتهامات به اصلاح طلبان با عنوان انقلاب مخملی یا کودتای مخملی می پرسیم او در این خصوص می گوید: بنظر من در حال حاضر ما شاهد کودتای مخملی هستیم، کودتای مخملی یعنی اینکه برخلاف رأی مردم کس دیگری از صندوق ها بیرون بیاید. فکر می کنم تا زمانی که اعتراضات بصورت بی طرفانه و عادلانه ای مورد بررسی قرار نگیرد و تا زمانی که افکار عمومی قانع نشده باشد، خود آنها در معرض این اتهام هستند و گرنه منتسب کردن اعتراضات مردمی به «انقلاب مخملی» نوعی فرافکنی است

هاشمی در ادامه می افزاید: گذشته از این موارد باید گفت انقلاب مخملی در مفهوم عام آن می تواند به معنی اصلاح طلبی و بیان مسالمت آمیز ضرورت اصلاحات و تلاش برای انجام آن باشد که چیز بدی نیست. این یعنی گروههایی هستند که نه به اصل نظام اعتراض دارند و نه براندازند و تنها اعتراض آنها به روندهای غیر قانونی و خلاف است و دنبال رأی خود هستند این که حالا رسانه های خارجی و یا خارجی ها در تایید تحرکات مردمی چیزی بگویند این نشانه وابستگی نیست. مگر امام در خارج از کشور در فرانسه نبودند؟ مگر مقامات فرانسوی کشور خود را پناهگاه انقلابیون قرار نداده بودند؟ مگر بسیاری دانشجویان از آمریکا مبارزه نمی کردند؟ مگر رسانه های خارجی و از جمله BBC در آن زمان مسایل ایران را بشدت و به قوت پوشش نمی دادند؟ مگر مردم در آن زمان در نهایت بی اعتمادی به رسانه های ملی، اخبار را از رسانه های خارجی نمی گرفتند؟ پس با این اوصاف باید بگوییم که انقلاب اسلامی هم در مسیر خواست بیگانه رقم خورد و یا انقلاب مخملی بود و ...

اعترافات کارمند سفارت انگلستان، البته طبق آنچه که من شنیدم، چیزی نبود جز انجام وظیفه. هر سفارتی در هر کشور از اوضاع طرف مقابل گزارش تهیه می کنند تا سیاست هایشان در آن را بر مبنای شرایط واقعی هر کشوری بریزند. مگر سفارت ما در کشورهای خارجی این کار را نمی کند؟

فائزه هاشمی در خصوص اعترافات بیان شده از سوی متهمین دادگاه اخیر نیز می گوید: چه کسی اعترافات فردی که بیش از پنجاه روز در انفرادی بوده، ارتباطی با بیرون از زندان نداشته، با خانواده و وکیل ارتباط نداشته، تحت انواع واقسام فشارها بوده، و نه تنها از وقایع بیرون از زندان بی اطلاع است، بلکه همانگونه که آقای موسوی نیز گفت احتمالاً اخبار کذب را به فرم روزنامه های اصلاح طلبان دریافت کرده است، باور می کند. زمانی این اعترافات می تواند مورد پذیرش افکار عمومی قرار گیرد که کل مراحل دستگیری، بازجویی، دادگاه و ... بر طبق قانون انجام شده باشد. که متأسفانه در مورد این ها چنین روندی طی نشده است.

هاشمی در ادامه می افزاید: متأسفانه اعترافات بیشتر بصورت یک شوی تلویزیونی مضحک و از طرفی تأسف بار درآمد که البته قابل استفاده جهت برگزار کنندگان آن برای متهم کردن این حرکت عظیم، برای ایجاد رعب و وحشت، برای دستگیری های بیشتر، و برای توجیه اعمال اشتباه و خلاف قانون آنها بود.

متأسفانه کارهای خلاف قانون و اشتباه همچنان ادامه دارد، هر کس که در رسانه ملی مورد اتهام قرار می گیرد، طبق قانون حق دفاع از همان رسانه را دارد که این کار نیز انجام نگرفته است.

نظر ایشان را به طور خاص در مورد اعترافات مربوط به مهدی هاشمی می پرسیم، ایشان می گوید: مهدی بلافاصله تکذیبی ای داد که بصورت مستدل اتهامات مطرح شده در دادگاه چهارم را رد کرد و خواستار وقت دفاع در رسانه ملی، یعنی همان جایی که این اتهامات بارها و بارها تکرار گردید شد، ولی آقایان مثل سایر موارد به روی خود نیاوردند.

جمهوری اسلامی یا حکومت اسلامی/ هم جمهوریت و هم اسلامیت در حال رخت بر بستن است

فائزه هاشمی با اشاره به مباحثات صورت گرفته در روز های پس از انتخابات در خصوص نقش مردم در جمهوری اسلامی می گوید: جمهوری یعنی حکومتی مبتنی بر آرای مردم. تفاوت جمهوری با سایر حکومت ها هم در این است که در جمهوری مردم نقش آفرین و تصمیم گیر هستند و در چهارچوب قوانین سرنوشت خود را رقم می زنند ولی در حکومت، رسمی و یا غیر رسمی رأی و نظر مردم و نقش آنها کنار گذاشته می شود، که این همان چیزی است که در

دو انتخابات اخیر زیر سؤال رفت. در این انتخابات به واسطه حضور بی سابقه مردم این مسئله ملموس تر بود و باعث جریحه دار شدن احساسات و شعور مردم شد. مردم احساس کردند که به شعور آنها توهین شد. خوب ادامه این روند می تواند به «حکومت اسلامی» ختم شود، این در حالی است که 30 سال پیش نه مردم به دنبال چنین مسئله ای بودند و نه سران و رهبران انقلاب چنین مسئله ای را در سر داشتند. نظامی که خودشان به آن رأی داده بودند و در طول سی سال با همه خوبی ها و بدی ها، زیبایی ها و زشتی ها، سفیدی ها و سیاهی های آن ساختند، اگر قرار باشد همین دموکراسی نسبی که الان داریم هم از بین برود طبیعتاً قابل تحمل نیست و این عمل تنها خدمت به منافع یک گروه خاص می باشد و نه خدمت به اسلام. به شکل واضح معنای حکومت اسلامی چیزی جز دیکتاتوری با نام اسلام نیست. با و قایع پیش آمده از انتخابات تاکنون، بنظر می رسد که هم جمهوریت و هم اسلامیت در حال رخت برپستن است.

عملکرد صداوسیما/ چرا بایستی بگونه ای رفتار کند که اخبارش دیگر قابل باور نباشد؟

عملکرد صداوسیما در این جریان و التهابات ناشی از سوء مدیریت رسانه ملی موضوع دیگری است که فائزه هاشمی در خصوص آن می گوید: صدا و سیما از چند ماه قبل از انتخابات سیاست یک جانبه ای را در دفاع از دولت آغاز کرد و حتی در شب های منتهی به انتخابات آقای احمدی نژاد با مصونیت کامل به اتهام پراکنی و تخریب هر که می خواست اقدام کرد و هر کس هم در صدد پاسخ گویی بود گفتند که بعد از انتخابات. در حالیکه ایشان قبل از انتخابات این حرف ها را زده و به دنبال تأثیر آن در رأی خود بود، بنابراین پاسخ بعد از انتخاب، که عملی نیز نشد، نوش داروی بعد از مرگ سهراب است. پس از انتخابات هم اطلاع رسانی در رسانه ملی چیزی کاملاً متفاوت از شرایط ملتهد جامعه بود. نظرات آقای موسوی و سایرین توسط آقایان اژه ای و پور محمدی و دیگران در رسانه ملی منعکس می شد. مگر خود آقای موسوی نمی توانست نظراتش را بیان کند که دیگران بیان کننده نظرات ایشان باشد؟ خودتان می آید و از جانب یک نفر در سیما حرف می زنید، خودتان پاسخ می دهید خودتان هم قضاوت می کنید و بعد جالب است که او را محکوم می کنید و به خود نمره بیست می دهید!، عجب عدالتی! عادلانه این بود که در آن شرایط خود معترضین دعوت می شدند و استدالات خود را بیان می کردند و بعد آقای اژه ای یا هر کس دیگری پاسخ ایشان را می داد، و مردم خود قضاوت می کردند چرا از میان کاندیداهای معترض تنها آقای رضایی به سیما دعوت شد. البته منکر نقش مثبت آقای رضایی چه قبل و چه بعد از انتخابات نیستیم. اما چرا آقایان کروی و موسوی نباید بتوانند از این فرصت استفاده کنند؟ این که نمی شود که عده ای قبل از انتخابات مورد تأیید نظام باشند و صلاحیت آنها تأیید شود و بعد از انتخابات یک دفعه شرایط تغییر کند و همه عامل بیگانه و ضد انقلاب و نامحرم شوند، و از آن طرف رسانه ملی با ارائه اخبار و تحلیل های جانبدارانه و گاهی خلاف به تحریک مردم بپردازد و بعد هم با اجرای سناریوهای ساختگی مثل ماجرای ترانه موسوی، ندا آقاسلطان و اعترافات و دادگاه های نمایشی بخواهند افکار عمومی را منحرف کنند. هاشمی در ادامه افزود: متأسفانه این قبیل کارها موجب سلب اعتماد عمومی از رسانه ملی و مراجعه مردم به رسانه های خارج از کشور شده است. رسانه ای که به راحتی توانست در شب های قبل از انتخابات در طی مناظره ها ده ها میلیون مردم را پای تلویزیون میخکوب کند و این گونه مخاطب جذب کند چرا بایستی بگونه ای رفتار کند که نه اخبارش دیگر قابل باور باشد و رسانه های خارج از کشور توسط مردم جهت کسب اخبار به آن ترجیح داده شوند؟ باکمی واقع بینی و صداقت متوجه می شویم که این خود ما هستیم که باعث گل کردن فضا شده ایم و مردم را

سوق به آن طرف داده ایم. عملکرد خودمان اشتباه است آن وقت دیگران را متهم می کنیم.

عمل به قانون/ اگر گفته می شود که در انتخابات تخلف شده است یعنی قانون نقض شده

از هاشمی درباره مسئله عمل به قانون می پرسیم. او با اشاره به تاکیدات صورت گرفته در خصوص رعایت قانون از سوی تمام جناح ها و افراد می گوید: اینکه همه بر رعایت قانون تأکید دارند چیز خوبی است. یک طرف مدعی است که اعمال و رفتار هایی که در حین و بعد از انتخابات بروز یافته خلاف قانون است و طرف مقابل هم مدعی است که تمام رفتارها و فجایعی که بر مردم رفته عین قانون است، خوب در این شرایط یک کمیته حقیقت یاب نظیر آن چه که در مجلس شورای اسلامی تشکیل شد و اتفاقاً عملکرد خوبی هم در اوایل کار خود داشت می تواند مؤثر باشد تا معلوم کند که خلاف قانون ها کدام بوده است. آنها که به تجمعات آرام و قانونی مردم حمله کرده، ضرب و شتم کرده، اموال عمومی را تخریب کرده، مردم را کشته، دستگیر کرده و گاز اشک آور پرتاب کرده اند و یا آنهایی که برای بیان اعتراضات خود مطابق اصل 27 به خیابان آمده اند و پس از حملات به آنها برای خنثی کردن اثر گاز اشک آور آتش روشن کرده اند. ببینید مردم چیز زیادی نمی خواستند مردم رأی و حق خود را می خواهند. این حق قانونی مردم است که در قانون اساسی و قوانین کشور به رسمیت شناخته شده این ها همان مردمی هستند که با آن شکوه پای صندوق ها آمدند که ما هنوز پز حضور آنها را می دهیم. هنوز هم دیر نشده، حیف است که بگذاریم که نظامی که به این مرحله رسیده و مردمی که با بلوغ سیاسی در صحنه حاضر شده اند و حماسه آفریده اند روبروی هم قرار بگیرند. اگر گفته می شود که در انتخابات تخلف شده است یعنی قانون نقض شده. اینکه می بینیم بعد از انتخابات عده ای بی دلیل بازداشت می شوند و بعد با آن وضعیت دادگاهی می شوند یعنی قانون نقض شده. اینکه عده ای پیش از اتمام فرصت قانونی نتیجه انتخابات را تایید می کنند و بعد جشن هم می گیرند و مردم را تحریک می کنند، یعنی قانون نقض شده. اینکه در حین انتخابات و پس از انتخابات در سیستم گردش اطلاعات در کشور مشکل ایجاد می شود یعنی قانون نقض شده. اینکه عده ای به خود اجازه می دهند از سرویس پیام کوتاه تا روزنامه ها و سایت ها را بی دلیل توقیف کنند یعنی نقض قانون، موارد تخلفات انتخابات که اشاره کردم، یعنی نقض قانون، عدم رسیدگی بی طرفانه به اعتراضات مردم، یعنی نقض قانون. درست است همه باید به قانون بازگردند و هیچ کس هم فراتر از قانون نیست. کسی به دنبال براندازی نظام نیست. این هم درست نیست که بگوییم هر چه تا به حال اتفاق افتاده را کنار بگذاریم و از حالا به قانون عمل کنیم. خوب پس تکلیف متخلفان چه می شود؟ تکلیف رأی مردم چه می شود؟ تکلیف خونهای ریخته شده چه می شود؟

هاشمی در ادامه می افزاید: بهتر است که این طور فکر نشود که اگر اعتراضات کم رنگ تر شده است، اصل آن از بین رفته است. اصل اعتراض را باید درست پاسخ داد و گرنه چون آتش زیر خاکستر خواهد شد. خشم و نفرت از دل مردم با این حرکات زوده نمی شود. بهتر است از تاریخ درس بگیریم که هر نظامی که مقابل مردم خود ایستاد چه سرنوشتی پیدا کرد جالب این جاست که ما زمانی که داریم مردم مسلمان خودمان را به خاک و خون می کشیم برای کشته شدن خانم مصری در آلمان سوگواری می کنیم ، البته من آن حادثه را تقبیح می کنم، ولی سیاست یک بام و دو هوا مردم را جری تر و خشمگین تر می کند. این که ما این جریانات مردمی را با هدف نابودی نظام تفسیر کنیم، به نظرم خطای بزرگی است بر روی سایر اشتباهات. خود اتهام زدگان بهتر از هر کسی می دانند که این گونه نیست.

اتهامات و ماجرای دستگیری/ مثل ملانصرالدین خودشان سناریویی را می نویسند و بعد هم آنقدر تکرار می کنند که خودشان نیز باور می کنند

قبل از انتخابات در رسانه ها و خبرگزاری های دولتی نوشتند 200 هزار مانتوی سبز برای دختران فیروزه ای تهیه کرده ام که از اصل کذب بود و یا مثلاً یک روز قبل از انتخابات، فارس پیامک ارسال کرد که «فانزه هاشمی در رفت»، در حالی که فردای آن روز در شعبه خیابان دیباجی رأی دادم. جالب اینجاست که در جریان آن باز داشت کوتاه از من پرسیدند. که تو یک روز به کانادا رفته ای. برای چه کاری؟ که من گفتم رفت و برگشت به کانادا دو روز طول می کشد، حداقل یک روز هم که باید آنجا بمانم خوب سرجمع می شود سه روز، من چگونه یک روزه رفته و برگشته ام؟ گفتند پس با آنها ارتباط داشته ای، گفتم اسناد آن کجاست؟ و خواستم که در برگهای بازجویی از من بپرسند تا کامل آن را تکذیب کنم. در برگ های بازجویی نیز به اصرار من این سؤال مطرح شد و آنها تمایل به این کار نداشتند. اول می گویند که من در رفته ام، بعد یک تجمع برای ممنوع الخروج کردن من و مهدی تشکیل می دهند، و خبر ممنوع الخروجی ما را اعلام می کنند، صدا و سیما تصویر من را به هنگام سخنرانی روبروی جام جم پخش می کند، منی که در رفته ام، چگونه ممنوع الخروج شده ام و چگونه تصویرم از تلویزیون پخش می شود؟ از بس دروغ می گویند خودشان نیز یادشان می رود که چه گفته اند و چه کرده اند. البته من از خبرگزاری فارس و روزنامه ایران شکایت کرده ام که امیدوارم به آن رسیدگی شود.

هاشمی در ادامه درباره ماجرای بازداشت خود نیز گفت: در خیابان بازداشت شدم. رفتار بازداشت کننده ها بسیار زشت و توهین آمیز بود. اینکه گفتند برای محافظت بوده است، واقعیت ندارد. گفتند که حکم بازداشت تو را داریم. بعد هم به پایگاه مقصد و از آنجا به فرارگاه ثارالله منتقل شدیم که در این دو جا انصافاً رفتارها خوب و محترمانه بود. دو تا اتهام داشتم، سازماندهی اغتشاشات و دیگری حضور در اغتشاشات.

متأسفانه یاد ایام حکومت نظامی در پایان دوره شاه افتادم، البته نمی دانم که این طنز بود و یا واقعیت، قانون حکومت نظامی تجمع مثلاً بیش از 3 نفر را ممنوع می دانست، 3 نفر در خیابان با هم حرف می زدند، مأمور می آمد و تذکر می داد که خلاف قانون است، متفرق شوید. آنها می گفتند ما که 3 نفر هستیم بیش از 3 نفر ممنوع است، مأمور می گفت بامن شدید 4 نفر، حالا این ها خودشان به تجمعات آرام و قانونی مردم حمله و آنها را مورد ضرب و شتم قرار می دادند حمله می کردند و در مقابل مردم مجبور به فرار، دفاع از خود و آتش زدن سطل های زباله برای خنثی کردن اثرات گاز اشک آور بودند، و آن وقت، می گویند اغتشاشات، شما این تظاهرات قانونی و جزء حقوق مردم را به اغتشاش کشیده اید، کدام اغتشاش؟ و یا در مورد اتهام سازماندهی، مثل ملانصرالدین خودشان سناریویی را می نویسند و بعد هم آنقدر تکرار می کنند که خودشان نیز باور می کنند (البته شک دارم که خودشان هم باور کنند.) و براساس آن اقدام می کنند، اعترافات اخیر و همچنین اتهاماتی که به مهدی وارد کرده اند نیز همین حکم را دارد.

آینده اصلاحات، جبهه یا حزب/ جبهه عام تر است و با شرایط فعلی سازگار تر

هاشمی در پایان با اشاره به مباحث مربوط به آینده جریانات سیاسی در کشور و اینکه آقای موسوی باتشکیل حزب موفق خواهند بود و یا جبهه گفت: به نظر من در این شرایط تأسیس جبهه به مراتب بهتر از تأسیس حزب است چون اولاً حزب کم نداریم و از این جهت دچار خلاء نیستیم. ضمن اینکه معمولاً تأسیس حزب همراه است با محدودیت هایی

در نوع عقیده و افکار، این در حالی است که در نهضت جدید، افکار مختلف و گروه های گوناگون مردمی حضور داشته و دارند، و نمی توان آنرا محدود به ایده خاصی نمود. ماهیت این جنبش اعتراضی است و اقشار مختلف مردم و حتی سیاسیون و نخبگان از راست و چپ و یا اصلاح طلب و اصولگرا در این جریان با درجات متفاوت حضور دارند. بنابراین جبهه عام تراست و با شرایط فعلی سازگار تر ..

در پایان لازم به ذکر چند نکته است، من فکر می کنم این نهضت خود خوش است و سازمانده و رهبری که این ها به این صورت دنبالش می گردند وجود ندارد، دوم این که کم رنگ شدن تظاهرات و حضور مردم نشانه فراموش شدن و کم رنگ شدن مطالبات مردم نیست وقتی آن تعداد عجیب و غریب نیروهای امنیتی در هر مکان که احتمال حضور مردم است حضور می یابند و مانع از اجتماع مردم با انواع روش های خشونت آمیز می شوند ، انگار که مردم حضور دارند و همان تأثیر را دارد. و سوم اینکه هنوز هم دیر نشده است ، همین الان می شود جلوی اشتباهات را با ایجاد یک گروه واقعاً بی طرف با حضور نمایندگان همه طرف های معترض و بررسی عادلانه و واقعی تمامی وقایع و دنبال آن عمل به این نتایج گرفت و نظام را از این شرایط نجات داد، و پیشنهادات ارزنده جناب آقای هاشمی و دیگران در این زمینه اجرا شود.

فراموش نکنیم که این ها مردم همین کشور هستند، جامعه ای افسرده و دمق و آسیب دیده و پراز خشم و نفرت و کینه، حتی خاموش، نمی تواند مناسب برای یک نظام مقتدر باشد. این که مطالبات به حق و قانونی مردم خود را این گونه سرکوب کنیم و در عوض بخواهیم حامی حقوق مسلمانان و مردم دنیا باشیم طنزی تلخ و بی معنی است .